

مجموعه کامل داستان‌های کوتاه یاشار کمال

به من نگاه کن برادر!

ترجمه اسد بهرنگی

پرسشنامه: کمال، یاشار، ۱۹۳۲ - م. Yasar, Kemal | مشخصات نشر: تهران: ابتکار نو، ۱۳۸۴ |
عنوان و پدیدآور: مجموعه داستان های کوتاه یاشار کدال / ترجمه ی اسد بهرنگی. - - |
مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص. | شابک: ۲-۲۶-۶۵۷۹-۹۶۴-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیا |
موضوع: داستان های کوتاه ترکی- ترکیه- قرن ۲۰ م. الفبهرنگی، اسد ۱۳۱۴-، مترجم بدعنوان |
رده بندی کنگره: ۳۰ ۱۳۸۴ م ۸۴ ک / PL ۲۴۸ | رده بندی دیویی: ۳۲۱۶۳- ۸۴ م |
کتابخانه ملی ایران | عنوان اصلی: Butun Hikaytler |



به من نگاه کن برادر... مجموعه کامل داستان‌های کوتاه یاشار کمال | مترجم: اسد بهرنگی |
مدیر هنری و طراح گرافیک: کورش بیگ پور | حروفچینی: صادقی | چاپ: فاروس |
مدیر اجرایی: کیوان یور عبدالرحیم | چاپ اول: پاییز ۱۳۸۷ | شمارگان: ۱۰۰۰ | قیمت: ۳۵۰۰ تومان |
شابک: ۲ - ۲۶ - ۶۵۷۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ | عضو گروه ناشران ۸۰ | تلفکس: ۸۸۴۱۹۵۲ |
تهران، خیابان مفتاح، بالاتر از خیابان طالقانی، کوچه عطارد، ساختمان عطارد، واحد ۱ |
عضو جمع‌صنعتی فرهنگی زنان ناشر | Tarobish@gmail.com | کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است |

۷	۱- سخنی چند
۹	۲- گرمای جانگاه
۲۱	۳- نوزاد
۵۵	۴- رختخواب
۶۵	۵- دکاندار
۹۱	۶- بُز
۹۷	۷- پشه
۱۰۵	۸- خنجر
۱۱۱	۹- شلوار سفید
۱۲۹	۱۰- هالیس سرکیسوف
۱۴۱	۱۱- به من نگاه کن برادر!
۱۵۱	۱۲- در راه
۱۵۹	۱۳- قلم ها
۱۷۱	۱۴- دُرناها!
۱۸۳	۱۵- شکارچی
۱۸۹	۱۶- کشت
۱۹۵	۱۷- احمد شاهان
۲۰۳	۱۸- جالیز مراد
۲۰۹	۱۹- دزد
۲۲۱	۲۰- رود آرام

سخنی چند

یاشار کمال که نام اصلی او «کمال صادق گویچه لی» است در سال ۱۹۲۲ در بخش آدانا در روستای حمیته از شهرستان عثمانیه متولد شد. در چهارسالگی پدرش کشته شد. در اثر این واقعه مدتی با لکنت زبان حرف می زد. از دست دادن پدر برای او خیلی گران تمام شد و زندگی برایش سخت شد. تحصیلات ابتدایی اش را در بورخانلی، قادیرلی تمام کرد. ولی موفق به تمام کردن دوره ی متوسطه نشد. با کار کردن در مزارع پنبه و شالیزار و بوستان، سرعملگی، شرکت گاز، معاش خود را می گذراند. سپس به کارهای نظیر معلم سرخانه، عریضه نویسی، رپورتاژنویسی، خبرنگاری، سناریونویسی رو می کند. او در داستان هایش، روزهای سخت کودکی اش را فراموش نمی کند، حق همکاران بزرگ و کوچک را بجا می آورد. قلم را در راه افشای رنج های روستاییان که زمین نداشتند، یا زمین کوچکی داشتند یا رعیت و ارباب بودن و به کار می اندازد. درد و غم روستایی ها را همراه با مادر بیواه اش که تنها یار و همدمش بود، دل می پرورد. مادر او در بیشتر قصه هایش حضور دارد. زینوی پیر در داستان «حلبی» و مریم جه در «زمین آهن است و آسمان مس» و مادر اینجه ممد در کتاب اینجه ممد مادر خود اوست.

یاشار کمال علاوه بر اینکه به سبب نوشتن داستان های بلند، در ادبیات معاصر ترکیه وجهان جای به خصوصی دارد، خالق داستان های

کوتاه به یاد ماندنی نیز است. او در داستان های کوتاه اش رنج و زحمت دوران کودکی اش را منعکس می کند، رنج و آمال و آرزوهای کودکان ترکیه، که خودش، هم طراز آن ها بود، در داستان های او جلوه ها نه به صورت افسانه، بلکه به صورت محسوس و ملموس نشان داده شده است. در داستان «گرمای جانکاه» و «شلوار سفید» آرزوهای کودک روستایی و وضع خانواده ای که در آن بزرگ می شوند، به خوبی شرح داده شده است. در داستان «قلم ها»، آرزوی یک خانواده ی کارگری که بچه شان قانع به وضع موجود نیست و پیوسته در فکر تغییر آن است، نشان داده شده است.

در داستان «رودارام» درد و رنج یک روستایی که از دست هایش هزار هنر می بارد و تأثیری که محیط بر روی او می گذارد با شیوه ی خاصی بیان شده است. یاشار کمال در داستان های کوتاه دیگر تعهد خود را بر طبقه ای که در آن بزرگ شده است، فراموش نمی کند. در داستان «دکان دار» دست زانو صفتانی را که به جماعت کشاورز و زحمتکش چسبیده و ثروت اندوزی می کنند، و با دست کسی که به دیوانگی شهرت دارد رسوا می کند.

ترجمه یکی دو داستان کوتاه یاشار کمال سال ها قبل در مطبوعات ایران منتشر شده است. اکنون برای اولین بار مجموعه کامل داستان های کوتاه او را پیمش رو دارید. این کتاب در ترکیه در چاپ های متعدد با عنوان BÜTÜN HİKAYETLER چاپ شده است.

یاشار کمال همان قدر که در رمان نویسی موفق است، در نوشتن داستان کوتاه هم قدرت خود را نشان داده است. امید است مورد اقبال اهل کتاب در ایران هم قرار بگیرد.